رسالت
سال چهلم ■ شماره ۱۱۰۷۷ ■ روزنامه صبح ایران

مقابله مجدانه‌تر نهادهای قضایی و انتظامی با سرقت‌های مسلحانه بررسی شد

لزوم ضربه پشیمان کننده به سارقان

گروه اجتماعی

این روزها زورگیرها و چاقوکش‌ها، بیش از گذشته جامعه را ناامن کرده‌اند و مال باختگان گاه زخمی و ترس خورده از صحنه بیرون می‌آیند و گاه همانند امیرمحمد خالقی، دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران جانشان را از دست می‌دهند. این موضوع توجه افکار عمومی را به مسئله کافی نبودن برخورد‌ها و فقدان قوانین بازدارنده علیه جرائم خشنی مانند زورگیری جلب و این پرسش را به ذهن جامعه متبادر می‌کند که چرا سارقان مرتکب قتل می‌شوند؟ برخی کارشناسان بر این باورند که باتوجه به هراس از بازداشت و گاه نداشتن تجربه در سرقت‌های این چنینی، این افراد در حین ارتکاب جرم دست به خشونت‌های شدید علیه قربانیان می‌زنند.

سارقان، امیرمحمد خالقی را در حین ربودن کوله پشتی‌اش با چاقو مجروح کردند و بر اساس گفته‌های یکی از همکلاسی‌های این دانشجوی اهل خراسان جنوبی «امیرمحمد تالحظه آخر تلاش کرد لپ‌تاپ و موبایلش را از چنگ سارقان درآورد و فرار کند، اما آن‌ها قمه را در شکم او فرو کردند و سپس گریختند.» در تصاویر منتشرشده از دوربین‌های مداربسته، دو سارق سوار بر یک موتورسیکلت و کوله‌ای در دست، دیده می‌شوند که در حال فرار‌ند و امیرمحمد به دنبال آن‌ها می‌دود که ناگهان در تقاطع اتوبان آل‌احمد به دلیل خونریزی زیاد نقش بر زمین می‌شود.

البته چنین رخداد‌هایی نوظهور نیست و سال‌هاست شهروندان با آن مواجه‌اند اما آن‌چه اکنون بیش از گذشته جلب نظر می‌کند، افزایش موارد زورگیری و اعمال خشونت بیشتر از سوی مرتکبان این جرم است و این فقط شهروندان عادی نیستند که در جریان سرقت و زورگیری قربانی می‌شوند، تاکنون گزارش‌های متعددی از حمله سارقان مسلح به هنرمندان و ورزشکاران نیز منتشر شده است.

در ۹ دی ۱۴۰۲، رسانه‌های خوزستان نوشتند که «میلاد پاک پرور»، بازیکن تیم فوتبال استقلال ملاثانی، از تیم‌های لیگ دسته یک فوتبال، در حال بازگشت به منزل در منطقه گلستان، هدف سرقت مسلحانه قرار گرفته است. سارقان با اسلحه جنگی وینچستر و کلاشینکف این فوتبالیست را تهدید کرده و خودرو، دو گوشی تلفن همراه و مدارکش را به سرقت بردند.

هم‌زمان «هومن حاجی عبداللهی»، بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون نیز در صفحه اینستاگرام خود نوشت که فردی با قمه نیم‌متری به او حمله کرده و او قربانی سرقتی شدن شده است. محل وقوع این اتفاق چنان که او نوشته، خیابان پاسداران سادقوش- نبش رحمانیان غربی و زمان آن، تاریخ ۷ دی ۱۴۰۲ اعلام شده است.

پیش از این نیز موارد متعددی از سرقت و زورگیری با سلاح سرد و گرم برای چهره‌های شناخته شده مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است، اما نتیجه آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد به‌رغم اجرای طرح‌های موسوم به «برخورد با سارقان مرتکب سرقت‌های خشن» در پنج سال گذشته، آمار سرقت‌های مسلحانه چهار برابر شده و حتی ساده‌ترین مسائل مانند قدم زدن و تردد در شهر ممکن است مشکلاتی را برای شهروندان پدید آورد.

نگاهی به تجربه تلخ شهروندان از زورگیری با چاقو و قمه

این روزها در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی کاربران زیادی از تجربه خود در مورد زورگیری سخن گفته‌اند که در ادامه به برخی از این موارد اشاره شده است.

سوگل ۴۰ ساله و دندانپزشکی ساکن اهواز است. او دی سال گذشته از خانه خود در منطقه پادادشهر اهواز خارج شد و توسط سرنشینان یک خودرو، با قمه زخمی شد. در جریان این سرقت، موبایل و کیف سوگل سرقت شد و او در یک سال گذشته در گیر پیگیری شکایت خود برای این سرقت است. او می‌گوید: «منطقه پادادشهر از مناطق نسبتا برخوردار شهر اهواز است. اغلب ساکنان یا بازنشستگان ادارات مختلف هستند، یا بازاریان شناخته شده و قدیمی. این منطقه از دیرباز تا امروز امنیت کافی نداشته و به کرات در آن سرقت اتفاق افتاده است، اما سرقت مسلحانه و زورگیری چند وقتی است خیلی زیاد شده.»

سوگل می‌گوید: «خانه ما در خیابانی است که برخلاف سایر خیابان‌ها، چندان خلوت نیست. چند مدرسه غیرانتفاعی و یکی دو آموزشگاه رانندگی و یک زبانکده در خیابان ما قرار دارد. خانه ما هم در ابتدای خیابان واقع شده. آن روز باید زودتر به کلینیک می‌رفتم و وقتی از خانه خارج شدم، هنوز هوا کاملا روشن نشده بود. کمی بالاتر از خانه دیدم که یک پراید مشکی با شیشه‌های کاملا دودی پارک کرده و دست راننده را هم می‌دیدم که سیگارش را بیرون نگه داشته است. منظره غیرمعمولی نبود. وقتی از کنار ماشین رد شدم، چند قدم بیشتر نرفته بودم که شانه‌ام سوخت و تا به خودم بیایم نقش زمین شدم. دو نفر را دیدم که با سر و صورت پوشیده کیفم را که از شانه مجروحم افتاده بود برداشتند و با قمه جلوی صورتم می‌گفتند موبایل موبایل.... از خونریزی زیاد بود یا از ترس، حتی نفسم درنمی‌آمد که فریاد بزنم. موبایل توی کیفم بود. چشمم تار می‌دید اما دیدم که کیف را برداشتند و سوار ماشین شدند و رفتند.»

سوگل و خانواده او در ماه‌های گذشته نه برای محتویات کیف و مسائل مالی، که برای عدم امنیت و خطرات جانی این اتفاق پیگیر دستگیر کردن سارقان بوده‌اند: «سارق‌ها حرفه‌ای بودند. می‌دانستند چطور قمه بزنند که نه خیلی عمیق و کشنده باشد، نه خیلی جزئی که من بتوانم مقاومت کنم. ماشین را در نقطه‌ای پارک کرده بودند که دوربین‌ها نتوانند پلاک را بگیرند. یک سال است می‌رویم و می‌آییم، اما انگار دود شده‌اند و رفته‌اند هوا. مورد من هم تنها مورد سرقت مسلحانه با قمه در محله نیست؛ اما انگار نه انگار...»

حمیده، کارمند یکی از ادارات دولتی شهر تهران است و روایت مشابهی از سرقت کیفش دارد. محل کار او در منطقه شلوغی است و تقریبا همیشه رفت‌وآمد در خیابان جریان دارد. با این همه، او سال گذشته با تهدید دو موتورسوار قمه به دست، موبایل و کیفش را از کف داده است. او درباره تجربه خود می‌گوید: «من با قمه صدمه ندیدم، اما خیلی ناشیانه در مقابل سرقت کیفم مقاومت کردم و موتورسوارها من را دنبال خودشان روی زمین کشیدند. به‌طرز عجیبی کیف را رها نمی‌کردم، تا اینکه یکیشان با قمه بند کیف را برید و بعد هم قمه نیم متری را توی هوا برد بالا که یعنی با این طرفی. تمام بدنم ضرب دیده و داغان بود. پوست دست و صورتم خیلی بد کنده شده بود و آدم‌هایی که در آن ظهر گرم تابستان توی خیابان بودند، جرات مداخله نداشتند تا وقتی سارق‌ها دور شدند.»

این زن جوان می‌گوید که او و همسرش با کمک و همکاری کسبه موفق شدند سارقان را پیدا کنند: «دوربین چند تا از مغازه‌های اطراف، وضعیت را روشن می‌کرد. از کارت من هم خرید کرده و پول برداشته بودند که اس‌ام‌اس‌هاش می‌آمد. عکس هر دو را از طریق تصاویری که عابربانک ثبت کرده بود گرفتیم و به کلانتری دادیم. شکایت سرقت را هم همان روز ثبت کرده بودیم، اما تقریبا همه کارهای مربوط به شناسایی را خودمان کردیم. نامه گرفتیم برای فیلم‌ها. بعد که شماره موتور و چهره سارقان را شناسایی کردیم، توی کلانتری مشخص شد این دو نفر در یک باشگاه ورزشی رزمی در همان منطقه هر روز تمرین می‌کنند. چند روز همسرم مقابل باشگاه زیر نظرشان گرفته بود. ساعت آمد و رفتشان را می‌دانستیم، اما در نهایت هم پس از دستگیری، به سرعت آزاد شدند.»

محمد، ساکن محله تختی تهران دیگر شهروندی است که روایت خود را از روزی که مورد سرقت قرار گرفته، اینگونه مطرح می‌کند: «من عادت دارم همیشه از مترو خزانه تا منزلم که با پای پیاده در حدود یک ربع فاصله است، پیاده روی کنم. یک شب حوالی ساعت هشت، وقتی که از مترو خزانه به سمت منزل می‌رفتم، در حال عبور از زیرگذر ماشین رو و پیاده رو بلوار ابریشم بودم که در همین حین یک موتورسیکلت که دو راکب داشت در برابرم ترمز کرد و یکی از آن‌ها به سرعت از موتور پیاده و با کاتر به سوی من حمله ورشد. او با تهدید گوشی تلفن همراهم را خواست و من هم از شدت ترس بدون هیچ مقاومتی گوشی را به او دادم. آن‌ها هم به سرعت با موتور از محل گریختند.»

محمد در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «از آن روز دائماً احساس ترس و ناامنی دارم و فکر می‌کنم ممکن است هر آن حادثه مشابهی برای خودم یا خانواده‌ام تکرار شود. از آن زمان تا به حال دیگر نتوانسته‌ام از هیچ زیرگذری عبور کنم. حتی از پل هوایی هم. هنگام عبور از خیابان هم هر چند دقیقه یک بار به پشت سرم نگاه می‌کنم و با نزدیک شدن صدای هر موتورسیکلتی به وحشت می‌افتم.»

عدم بازدارندگی احکام صادره

روایت توأم با وحشت سایر شهروندان نیز از جنس همین مواردی است که در گزارش مطرح شده؛ ترسی مزمن که در گوشه گوشه معابر ناامن نه تنها در پایتخت که در گستره ناامن جاری در مناطق مختلف می‌توان آن را دید، اما در این میان قتل دلخراش دانشجوی ۱۹ ساله در حوالی کوی دانشگاه تهران، باری دیگر مسئله عدم بازدارندگی احکام صادره توسط دستگاه قضایی در برخورد با سارقان و مجرمان جرائم خشن را نمایان کرد.

برخی معتقدند برای جلوگیری از سرقت و ایجاد امنیت در جامعه، در کنار تمام اقداماتی که صورت می‌پذیرد، باید برخورد با مجرمان و سارقان قاطع‌تر و جدی‌تر باشد و هزینه سنگینی برای مجرمان ایجاد شود. موضوعی که سالیان سال محل اعتراض متخصصان آسیب‌های اجتماعی و جامعه‌شناسان نیز بوده است. زیرا در بسیاری از موارد، دیده می‌شود که زورگیرو سارق با احکامی خفیف و بدون برنامه‌ریزی برای اصلاح، پس از مدت کوتاهی آزاد شده و چند روز پس از آزادی، به عمل مجرمانه تازه‌ای دست زده است. معمولا سارقان در مرخصی‌های چندروزه خود از زندان، اقدام به سرقت به شیوه زورگیری می‌کنند که از نبود برنامه‌ریزی‌های مراقبتی مناسب برای مجرمان سابقه‌دار حکایت دارد.

برای مجرمان و سارقان دل نسوزانید

براین اساس امیرمحمود حریرچی، جامعه‌شناس با تاکید بر اهمیت تشدید برخورد با زورگیران و سارقان عنوان می‌کند: «نباید به سادگی از کنار خشونت و جرائم خشونت‌آمیز بگذریم. مجرمان جرائم خشن باید بدانند که قرار است توانایی بیشتر از جزای نقدی یا حبس کوتاه‌مدت برای جرم خود بدهند. متاسفانه در برخی موارد مجرمان خشن دست به جرائمی خشن از جمله قتل، آن هم با برنامه‌ریزی قبلی می‌زنند و بعد هم برخی در مقام دلسوز ظاهر شده و تقاضای بخشش برای مجرمی را می‌کنند که با نیت قبلی چنین جرمی را مرتکب شده است. این موضوع در سطح کلان نیز مشاهده می‌شود و برخی به دنبال دلسوزی برای مجرمان و سارقان خشن هستند. اما وقتی کسی با برنامه‌ریزی خانواده‌ای را داغدار کرده یا به فردی آسیب می‌رساند، باید با مجازاتی سنگین و بازدارنده مواجه شود.»

این جامعه‌شناس معتقد است: «قوانین باید در این زمینه سختگیرانه‌تر و به عبارتی بازدارنده‌تر شود. گاهی عدم برخورد با خشونت‌های کوچک به‌تدریج منجر به بروز خشونت‌های بزرگ‌تر می‌شود و از این رو لازم است مجازات بسیاری از جرائم به گونه‌ای باشد که اولا فرد اصلا به ارتکاب آن فکر نکند و ثانیا اگر مرتکب آن شد به گونه‌ای مجازات شود که دیگر سراغش نرود.»

نیافتن سارقان و بی‌پروایی در وقوع جرم

اما صاحب‌نظران در حالی بر ضرورت افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم تاکید می‌کنند که گزارش‌های مردمی نشان می‌دهند در برخی موارد تلاشی برای یافتن سارقان انجام نشده و این موضوع آنان را در ارتکاب جرم بی‌پروا کرده است. مسئول یکی از آموزشگاه‌های کوچک در تهران که سال گذشته مورد سرقت واقع شده می‌گوید: «حدود ایک سال پیش بخشی از وسایل آموزشگاه ما شامل چند ال‌سی‌دی که بر روی دیوار نصب بودند توسط یک نفربه سرقت رفت. فیلم دوربین‌های مداربسته چهره سارق را نشان می‌دهد که از در اصلی وارد ساختمان شده و حتی دوربین‌ها نشان می‌دهند که او چگونه وسایل را در داخل گونی‌های بزرگ جا می‌دهد و از ساختمان خارج می‌کند. شکایت کردیم و فیلم دوربین‌ها را هم به پلیس تحویل دادیم اما در این یک سال حتی یکبار هم با ما تماس نگرفتند و چند بار که پیگیری کردیم گفتند در حال پیگیری است.»

گزارش‌های مشابه بسیاری در رسانه‌ها به خصوص درباره سرقت خودرو و وسایل خودرو منتشر شده که در اغلب آنها شکایت مردم به جایی نرسیده و سارقان دستگیر نشده‌اند. دو سال قبل یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بی‌انگیزگی نیروی انتظامی را یکی از دلایل افزایش سرقت دانسته بود. او به ایسنا گفته بود: «اختلاف طبقاتی، ضعف در قوانین و به دنبال آن بی‌انگیزگی نیروی انتظامی از جمله مواردی است که زمینه افزایش سرقت در جامعه را فراهم کرده است. موضوع سرقت قطعا دارای ابعاد چندگانه و ریشه‌های مختلفی است. اولین ریشه سرقت، فقر است، زمانی که در سطح جامعه فاصله طبقاتی زیاد باشد، سرقت نیز گسترش می‌یابد.»

ناتوانی مالی و افزایش سارقان غیرحرفه‌ای

در چنین شرایطی برخی معتقدند برخورد جدی تر و قاطع تر و افزایش هزینه وقوع سرقت به تنهایی اثربخش نخواهد بود و نکته مهم در مورد جرایم خشن مانند زورگیری، نبود برنامه برای پیشگیری و شناخت ریشه این جرایم است. فشار اقتصادی، فقر روزافزون و ناتوانی مالی بخشی از جامعه، سبب شده است که به گفته کارشناسان حوزه قضایی، بسیاری از این جرایم به دست افرادی انجام می‌گیرد که سابقه‌ای در این زمینه ندارند و به اصطلاح «مجرم حرفه‌ای» نیستند. برخی از سرقت‌های مسلحانه در سال‌های اخیر به‌وضوح به دلیل مشکلات شدید اقتصادی و فقر رخ داده است. در یکی از این موارد، فرد سارق مدعی شد که باید برای نوزاد شیرخوار خود، شیرخشک می‌خرید. هرچند هیچ دلیلی نمی‌تواند اقدام به سرقت، آن هم از نوع مسلحانه را توجیه کند، اما در کنار عدم بازدارندگی قوانین، علت اصلی این بزهکاری‌ها را باید در میان چالش‌های اقتصادی حاکم بر جامعه جستجو کرد. این مسئله نشان می‌دهد بحران‌های اقتصادی تا چه حد به رشد جرائمی از قبیل زورگیری و کیف‌قاپی کمک کرده است. کما اینکه در یکی از تجربه‌های عجیب این چنینی، چندی پیش خبری منتشر شد که سارقی کیسه میوه را از دست عابر قاپیده است؛ اما ماجرا وقتی تلخ‌تر می‌شود که انتشار تصاویر حمله زورگیران در ملاعام با اسلحه سرد و حتی گرم هر روز بیشتر می‌شود؛ تصاویری که نشان‌دهنده شدت یافتن بی‌پروایی عاملان این نوع جرائم است.

به گفته کارشناسان، نظام پیشگیری از وقوع جرائم و دستگاه تربیتی بازداشت شدگان این گونه جرائم ناکارآمد است، به همین علت برای زندانیان جرائم خشن، خشونت در زندان‌ها هم متوقف نمی‌شود و زندان بیشتر آموزشگاهی برای توسعه توانایی‌های این افراد است. از این رو مطابق دیدگاه آسیب شناسان اجتماعی، «اگر فرد در خانواده درست تربیت نشود، از مدرسه و دانشگاه نیز جا بماند؛ به سرخوردگی دچار می‌شود و از آنجا که هیچ مهارت و کاری نیاموخته، برای گذراندن زندگی و کسب درآمد ممکن است جرائم مختلفی را مرتکب شود. بر اساس قانون، هر فردی که جرمی مرتکب شده؛ به عنوان مجازات به زندان می‌رود و زمان آن بستگی به نوع جرم دارد. اما سوال اینجاست که آیا این فرد پس از گذراندن دوره محکومیت و آزادی، اصلاح شده و زندگی خود را با انجام کارهای درست پیش خواهد برد؟ و پاسخ این است که در بیشتر موارد خیر. به طوری که افراد پس از اینکه از زندان آزاد می‌شوند؛ بسیار باتجربه‌تر شده‌اند و دفعه بعد، جرم بزرگ‌تری را انجام می‌دهند. بنابراین بهتر است افراد در زندان یا سایر مراکز نگهداری، تحت نظر روانشناس باشند و در ابتدا مشکلات شخصیتی خود را رفع کنند. سپس آموزش‌های مختلفی دریافت کنند که بر اساس آن بتوانند با کسب مهارت، شغلی برای خود دست و پا کنند. اگر افراد مشکلات روحی خود را رفع کنند، مهارتی یاد بگیرند که با انجام آن بتوانند زندگی خود را سپری کرده و نیازهایشان را رفع کنند؛ قطعا کمتر به سمت ارتکاب جرم رغبت پیدا می‌کنند.»(۱)

گروهی از جامعه‌شناسان نیز با این نقطه نظر موافق‌اند که بزه‌ها از بستر حاشیه نشینی برمی‌خیزد و مادامی که افراد مهارت ورود به مشاغل را نیاموزند، از طریق شکل‌گیری ارتباطات ناسالم مهارت جیب‌بری و زورگیری را فرا می‌گیرند. این افراد بخشی از جامعه هستند که اگرچه در شهر هستند، اما شهر را زندگی نمی‌کنند. یعنی از تفریحات و امکانات برابر با دیگر شهروندان برخوردار نیستند؛ بلکه در حاشیه‌های مختلف شهر حضور دارند و با اقتصاد رابطه منظمی ندارند. برای همین به اشکال مختلف می‌توانند به مسیر زورگیری کشیده شوند.

با این حال مطابق دیدگاه محمد صالح نقره‌کار، وکیل دادگستری «به هیچ وجه این موضوع که شرایط نامطلوب اقتصادی و نابرابری زمینه‌ساز ارتکاب جرایم خشن باشد، مورد موجه‌سازی نیست». هر قدر جامعه در شرایط سختی باشد؛ هر چند که انتظار از سیاستگذاران عمومی، اقدامات حمایتی و تامینی و رفاهی برای شهروندان است اما به هیچ‌عنوان مستمسکی برای توجیه ارتکاب جرایم خشن در حوزه عمومی نیست. لازم است نهاد‌های اجتماعی و سیاستگذار کیفری توامان نسبت به واکاوی علل و عوامل ارتکاب این جرایم گفت‌وگو و تعامل داشته باشند. این وکیل دادگستری در مصاحبه با «ایسنا» تشریح می‌کند: «ما هم شاهد جرایم خشن و هم پیامد‌های ناشی از فقدان‌های اقتصادی در حوزه عمومی هستیم که اشکال مختلفی از خشونت‌ها را در عرصه اجتماعی و عمومی نشان می‌دهد و ورشکستگی‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی و مالی و اقتصادی حاصل این وضعیت ناگوار اقتصادی است؛ لذا به نظر می‌رسد در سیاستگذاری کیفری ما باید به این پیوست‌های اقتصادی و اجتماعی توجه کافی داشته باشیم. در حوزه بزه‌دیده‌شناسی باید به سیاست‌های تقنینی در زمینه جرم‌انگاری‌های مختلف توجه کنیم. عناوینی مثل افسادفی‌الارض و محاربه در جرایم خشن داریم و مجازات‌های این جرایم بسیار سنگین است اما این سنگینی مجازات‌ها صرفا باعث بازدارندگی نشده است و ما به یک سیاستگذاری اجتماعی درست در زمینه بازدارندگی این نوع از جرایم نیاز داریم.»

پی‌نوشت:

۱- امیرمحمود حریرچی- جامعه‌شناس / در گفت‌وگو با ایسنا

۲- برخی از روایت شهروندان از تجربه سرقت‌های مسلحانه، در رسانه‌ها و سایت‌های خبری منتشر شده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان های فاقد سند

برابرآراء صادره هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی با ثبت اسناد وملاک ثبت صرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان واملاک مورد تقاضا به شرح زیره منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ی ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده‌ماه اعتراض خود را به این اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، داد‌خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم ورسید آن را به این اداره تحویل نماید.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

بخش ۴۰ کرمان

۱- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۵۸۲۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ آقای علیرضا گوشکی نژاد فرزند حسین به کد ملی ۳۱۳۰۹۲۰۶۷ نسبت به شدانگ خانه واقع در برزنجان به مساحت ۳۴۹/۴۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۴۰۹ فرعی از ۲۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان سهام مجهول محرز گردید.

۲- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۵۶۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ آقای عباس عباس زاده فرزند علی به کد ملی ۳۱۳۰۶۲۲۴۰۰ نسبت به سه دانگ مشاع از شدانگ خانه واقع در برزنجان به مساحت ۲۶۵/۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۳۵۳ فرعی از ۲۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان سهام مجهول محرز گردید.

۳- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۶۸۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ آقای جهانگیر نوحی برنجانی فرزند یارامحمد به کد ملی ۳۱۳۱۰۰۶۱۳۷ نسبت به شدانگ یکباب خانه واقع در برزنجان به مساحت ۶۱/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۳۸- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت مریدامینی محرز گردید.

۴- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۷۲۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۴ آقای سعداله طاهری فرفرزند یاراله به کد ملی ۳۱۳۰۲۱۲۰۹۴ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در ده سالار به مساحت ۳۵۹/۲۴ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۴۸- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت غزاله حاجی علیزاده محرز گردید.

۵- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۷۲۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۴ آقای سعداله طاهری فرفرزند یاراله به کد ملی ۳۱۳۰۲۱۲۰۹۴ نسبت به شدانگ زمین زراعی واقع در ده سالار به مساحت ۴۵۴/۴۵ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۴۸- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت غزاله حاجی علیزاده محرز گردید.

۶- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۵۱۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ آقای حسن رضا بارچی نژاد فرزند علیرضا به کد ملی ۳۱۳۰۰۷۱۹۸۹ نسبت به شدانگ یک قطعه زمین مشجر واقع در ده مارک به مساحت ۳۹۶۱ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۶۲- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت حسین بارچی برابر سند محرز گردید.

۷- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۶۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای امان اله حبیبی فرزند حمداله به کد ملی ۳۱۳۰۷۹۳۵۹۳ نسبت به شدانگ زمین مشجرواقع در ده رضا به مساحت ۱۹۸۵/۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۰۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت مالکین مشاعی محرز گردید.

۸- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۵۶۴ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳ آقای عنجعلی عباسی نژاد فرزند برجعلی به کد ملی ۳۱۳۰۷۷۵۹۳۵ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در شیرویه به مساحت ۶۶۴۷/۳۴ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت درعلی عباسی محرز گردید.

۹- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۵۶۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عنجعلی عباسی نژاد فرزند برجعلی به کد ملی ۳۱۳۰۷۷۵۹۳۵ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در شیرویه به مساحت ۶۶۳۰/۴۳ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت درعلی عباسی محرز گردید.

۱۰- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عنجعلی عباسی نژاد فرزند برجعلی به کد ملی ۳۱۳۰۷۷۵۹۳۵ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در شیرویه به مساحت ۵۹۸۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت درعلی عباسی محرز گردید.

۱۱- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۶۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عنجعلی عباسی نژاد فرزند برجعلی به کد ملی ۳۱۳۰۷۷۵۹۳۵ نسبت به شدانگ زمین زراعی واقع در شیرویه به مساحت ۶۶۳۰/۴۳ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت درعلی عباسی محرز گردید.

۱۲- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عنجعلی عباسی نژاد فرزند برجعلی به کد ملی ۳۱۳۰۷۷۵۹۳۵ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در شیرویه به مساحت ۵۹۸۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت درعلی عباسی محرز گردید.

۱۳- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عنجعلی عباسی نژاد فرزند برجعلی به کد ملی ۳۱۳۰۷۷۵۹۳۵ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در شیرویه به مساحت ۵۹۸۲ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت درعلی عباسی محرز گردید.

۱۴- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۶۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عنایت اله ابراهیمی پور فرزند سلیمان به کد ملی ۳۱۳۰۸۶۲۵۶۰ نسبت به شدانگ یک قطعه زمین زراعی واقع در شیرویه به مساحت ۶۸۹۷/۴۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت عزیزاله محسنی تکلومحرز گردید.

۱۵- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۰۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ آقای عنایت اله ابراهیمی پور فرزند سلیمان به کد ملی ۳۱۳۰۸۶۲۵۶۰ نسبت به شدانگ زمین مزروعی واقع در شیرویه به مساحت ۷۰۰۳/۹۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۴۱- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت عزیزاله محسنی تکلومحرز گردید.

۱۶- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۲۵۵ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۴ آقای عبداله سلطانی نژاد فرزند عزیزاله به کد ملی ۳۱۳۱۳۸۲۷۳۲ نسبت به شدانگ باغ واقع در قنات گاو به مساحت ۱۱۰۸/۶۳ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۸۸- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت امیر سلطانی محرز گردید.

۱۷- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۲۷۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ آقای عبداله سلطانی نژاد فرزند عزیزاله به کد ملی ۳۱۳۱۳۸۲۷۳۲ نسبت به شدانگ یک قطعه زمین مشجرواقع در دقنات گاو به مساحت ۱۴۱۱/۹۶ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۸۸- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت امیرسلطانی نژاد محرز گردید.

۱۸- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۶۴۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ آقای عبداله سلطانی نژاد فرزند عزیزاله به کد ملی ۳۱۳۱۳۸۲۷۳۲ نسبت به شدانگ یک قطعه زمین مشجرواقع در دقنات گاو به مساحت ۳۶۶/۱۷ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۸۸- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان مالکیت امیرسلطانی نژاد محرز گردید.

۱۹- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ آقای هوشنگ بهرام نژاد فرزند اسکندر به کد ملی ۳۱۳۱۴۱۱۲۸۷ نسبت به شدانگ یک قطعه زمین مزروعی واقع در اراضی گنوئیه کیسکان به مساحت ۲۱۵۳/۸۹ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۹۰- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان سهام مجهول محرز گردید.

۲۰- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۲۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ آقای هوشنگ بهرام نژاد فرزند

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان های فاقد سند

برابررأی صادره هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی با ثبت اسناد واملاک شهرستان بافت تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان واملاک مورد تقاضا به شرح زیره منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ی ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده‌ماه اعتراض خود را به این اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، داد‌خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم ورسید آن را به این اداره تحویل نماید.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

بخش ۴۰ کرمان

۲۱- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۴۵۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ آقای هوشنگ بهرام نژاد فرزند اسکندر به کد ملی ۳۱۳۱۴۱۱۲۸۷ نسبت به شدانگ یک قطعه زمین مشجرواقع در اراضی گنوئیه کیسکان به مساحت ۱۸۸۷/۶۸ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۹۰- اصلی بخش ۴۰کرمان از میزان سهام مجهول محرز گردید.

۲۲- برابررأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۹۰۱۳۰۰۶۶۴۶ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۶ آقای اصغر لاله زاری فرزند محمود به کد ملی ۳۱۳۱۰۵۵۵۴۵ نسبت به شدانگ مغازه واقع در بافت - بازار ولی عصر به مساحت ۲۱/۱۹ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۹۳۰- اصلی بخش